



دو فصلنامه علمی پروژه‌های تطبیقی در حقوق و علوم اجتماعی



Documentary study of the relationship between citizenship rights and social capital in Iran

Farshid Bahador ¹, ✉ Afsaneh Rakhsan ², and Abdulsamad Baharamzadeh ³

1. Allameh Tabatabai University, Faculty of Social Sciences, Sociology, Tehran, Iran

f.bahador1996@gmail.com

2. Department of Sociology, Yasuj, Yasuj University, Iran

afsanerakhsan24@gmail.com

3. Department of History, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

samad.bahramzade4@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 August 2025

Accepted, Available online :

6 November 6 2025

Keywords:

Citizenship rights,
Social capital,
Social trust,
Civic participation,
Iran

ABSTRACT

Citizenship rights and social capital, as the two pillars of sustainable social and political development, have a mutual and strengthening relationship with each other. In Iran, although the Constitution and the Charter of civil rights have provided relatively comprehensive frameworks to guarantee the rights of citizens, the available evidence shows that the practical realization of these rights has faced serious obstacles. Restrictions on civil and political freedoms, weak executive guarantees and inefficiency of civil and formal institutions, have led to a decline in public trust and a decline in social and political participation, and have ultimately weakened social capital. The study was conducted with a qualitative approach and a documented-analytical method. Data are compiled from official laws and documents, national reports and social surveys, as well as domestic and international scientific sources and are categorized and analyzed based on the indicators of civil rights (civil, political, social and cultural) and components of Social Capital (Trust, participation, cohesion and civil networks). The findings show that the lack of effective realization of citizenship rights is directly related to the decline in institutional and official social capital. In contrast, strong social capital is the basis for demanding, civil surveillance and the promotion of institutional efficiency and the better realization of citizenship rights. This two-way cycle shows that continuing the gap between legal frameworks and executive reality will exacerbate the state-nation gap and reduce social cohesion. The research results emphasize the need to revise policies and programs to strengthen citizenship rights, promote institutional transparency and accountability, and support civil institutions and educate civil culture to pave the way for sustainable development in Iran through the revival of social capital.

Cite this article: Bahador,F , Rakhsan,A and Baharamzadeh,A . (2025). Documentary study of the relationship between citizenship rights and social capital in Iran.. **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**, 1(1).47-70



Publisher: Hamyar Jahed Publications.

بررسی اسنادی رابطه بین حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران

فرشید بهادر^۱ | رخشان، افسانه^۲ | بهرام زاده، عبدالصمد^۳

۱. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، جامعه شناسی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

f.bahador1996@gmail.com

۲. گروه جامعه شناسی، یاسوج، دانشگاه یاسوج، ایران.

afsanerakhshan24@gmail.com

۳. گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

samad.bahramzade4@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به عنوان دو رکن بنیادین توسعه پایدار اجتماعی و سیاسی، رابطه‌ای دوسویه و تقویت‌کننده با یکدیگر دارند. در ایران، اگرچه قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی چارچوب‌های نسبتاً جامعی برای تضمین حقوق شهروندان فراهم آورده‌اند، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که تحقق عملی این حقوق با موانع جدی روبه‌رو بوده است. محدودیت در آزادی‌های مدنی و سیاسی، ضعف ضمانت‌های اجرایی و ناکارآمدی نهادهای مدنی و رسمی، به کاهش اعتماد عمومی و افت مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر شده و در نهایت سرمایه اجتماعی را تضعیف کرده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش اسنادی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از قوانین و اسناد رسمی، گزارش‌های ملی و پیمایش‌های اجتماعی، و نیز منابع علمی داخلی و بین‌المللی گردآوری و بر اساس شاخص‌های حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام و شبکه‌های مدنی) دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم تحقق مؤثر حقوق شهروندی رابطه مستقیمی با کاهش سرمایه اجتماعی نهادی و رسمی دارد. در مقابل، سرمایه اجتماعی قوی زمینه‌ساز مطالبه‌گری، نظارت مدنی و ارتقای کارآمدی نهادی و تحقق بهتر حقوق شهروندی است. این چرخه دوسویه نشان می‌دهد که تداوم فاصله میان چارچوب‌های قانونی و واقعیت اجرایی، شکاف دولت - ملت و کاهش انسجام اجتماعی را تشدید خواهد کرد. نتایج پژوهش بر ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های تقویت حقوق شهروندی، ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی، و حمایت از نهادهای مدنی و آموزش فرهنگ مدنی تأکید دارد تا از طریق احیای سرمایه اجتماعی، مسیر تحقق توسعه پایدار در ایران هموار شود.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۴/۰۵/۲۳	
تاریخ بازنگری:	
۱۴۰۴/۰۸/۱۵	
تاریخ پذیرش و انتشار:	
۱۴۰۴/۰۸/۱۵	
کلیدواژه‌ها:	
حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، ایران	

استناد: بهادر، فرشید، بهرام زاده، عبدالصمد و رخشان، افسانه. (۱۴۰۴). بررسی اسنادی رابطه بین حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران. دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی، ۱(۱)، ۴۷-۷۰.



ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

مقدمه

تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار و انسجام اجتماعی صرفاً با رشد اقتصادی و پیشرفت فنی میسر نیست، بلکه نیازمند تقویت بنیان‌های نرم و فرهنگی جوامع است. در این میان، دو مقوله‌ی کلیدی یعنی حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی نقش اساسی در ایجاد ثبات، افزایش اعتماد و ارتقای مشارکت عمومی دارند. رعایت و نهادینه‌سازی حقوق شهروندی شاخصی برای سطح دموکراسی و عدالت اجتماعی تلقی می‌شود و می‌تواند با تقویت اعتماد و احساس تعلق شهروندان، زمینه‌ی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را فراهم سازد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از اعتماد، همکاری و هنجارهای مشترک، توانایی جامعه برای کنش جمعی را افزایش می‌دهد و ظرفیت تعامل سازنده‌ی دولت و ملت را ارتقا می‌بخشد (Putnam, 2000; Coleman, 1990).

یافته‌های پژوهشی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که میان تحقق حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای دوسویه و تقویت‌کننده برقرار است؛ جوامعی که از رعایت مؤثر حقوق شهروندان برخوردارند، اعتماد اجتماعی و مشارکت بالاتری را تجربه می‌کنند و در مقابل، در جوامعی که این حقوق نادیده گرفته می‌شود، فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش انسجام اجتماعی قابل مشاهده است (Norris, 2011). در چنین بستری، بررسی این ارتباط در ایران، با توجه به شرایط خاص اجتماعی و فاصله میان قوانین و اجرای عملی آنها، اهمیت ویژه‌ای دارد. در دهه‌های اخیر، بحث پیرامون حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به یکی از محورهای اصلی علوم اجتماعی و علوم سیاسی تبدیل شده است. حقوق شهروندی به مثابه مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، نقش بنیادی در تضمین عدالت، برابری و آزادی‌های فردی و جمعی دارد. تحقق این حقوق زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی و افزایش اعتماد عمومی است و می‌تواند به شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی پایدار و نهادینه‌شدن مشارکت مدنی منجر شود.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهای همکاری در یک جامعه، نیروی نرم و اثرگذار در توسعه همه‌جانبه و انسجام اجتماعی به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی نه تنها در تقویت همبستگی و همکاری میان شهروندان اهمیت دارد، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش کارآمدی نهادهای رسمی و ایجاد بستر تعامل سازنده میان دولت و جامعه ایفا می‌کند.

مطالعات نظری و تجربی در سطح بین‌المللی نشان داده‌اند که میان رعایت و گسترش حقوق شهروندی و میزان سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای متقابل و تقویت‌کننده برقرار است؛ به این معنا که رعایت حقوق شهروندی، بویژه آزادی بیان، دسترسی به عدالت، فرصت‌های برابر و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، اعتماد اجتماعی و مشارکت داوطلبانه را افزایش می‌دهد.

در مقابل، هرگونه محدودیت یا نقض حقوق شهروندی می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی، انزوا و افت سرمایه اجتماعی بینجامد. در ایران نیز طی سال‌های اخیر، موضوع حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به صورت موازی در دستور کار نهادهای سیاست‌گذار و پژوهشگران قرار گرفته است.

با این حال، واقعیت‌های اجتماعی نشان‌دهنده وجود فاصله معنادار میان اسناد و قوانین رسمی از یک‌سو و تجربه زیسته شهروندان از سوی دیگر است. این فاصله، که ریشه در کاستی‌های ساختاری، ضعف شفافیت نهادی و محدودیت فرصت‌های برابر دارد، به تدریج موجب تضعیف سرمایه اجتماعی، کاهش سطح اعتماد عمومی و افت مشارکت مدنی شده است. از این منظر، پرسش اساسی این است که در جامعه ایران، تحقق یا عدم تحقق حقوق شهروندی چگونه بر میزان سرمایه اجتماعی اثر گذاشته است و چه سازوکارهایی این دو حوزه را به یکدیگر پیوند می‌دهد؟ پاسخ به این پرسش، علاوه بر گشودن افقی تازه در حوزه جامعه‌شناسی حقوق و مطالعات اجتماعی، می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری‌های آتی در راستای بازسازی اعتماد عمومی و تقویت بنیان‌های سرمایه اجتماعی را روشن‌تر سازد.

۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، اهمیت حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به‌عنوان دو رکن اساسی توسعه اجتماعی و سیاسی در ایران افزایش یافته است. حقوق شهروندی شامل مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است که شهروندان به‌عنوان اعضای یک جامعه از دولت انتظار دارند، و سرمایه اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ای نامشهود شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و انسجام اجتماعی دارد (پاتنام، ۱۳۸۰؛ مارشال، ۱۹۹۲).

- مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهند که بین این دو مفهوم ارتباطی معنادار وجود دارد؛ برای مثال، پژوهش منصوری (۱۳۹۸) با عنوان «رابطه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر تعهدات شهروندان» در دومین همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار گزارش کرد که سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی و مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری با حقوق شهروندی دارند. همچنین مطالعه بابازاده و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان «مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی با آگاهی از مفهوم توسعه پایدار» در مشگین‌شهر نشان داد که سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در سطح متوسط قرار دارند و این دو متغیر با مفاهیم توسعه پایدار رابطه مستقیم دارند.

- پژوهش‌های دیگری نیز به بررسی نقشی میانجی سرمایه سیاسی در رابطه بین اعتماد اجتماعی و آگاهی نسبت به حقوق شهروندی پرداخته‌اند. صالحی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که اعتماد اجتماعی و سرمایه سیاسی و اقتصادی تأثیر معناداری بر آگاهی از حقوق شهروندی دارند و سرمایه سیاسی نقش مهمی دارد.

با این وجود، بررسی کلی این ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که همچنان چند خلأ اساسی پژوهشی در این حوزه وجود دارد:

از یک سو، بسیاری از مطالعات به داده‌های پیمایشی محدود بوده‌اند و تحلیل دقیق اسنادی از قبیل قانون اساسی، اسناد بالادستی و گزارش‌های رسمی در رابطه با حقوق شهروندی و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی کمتر پرداخته‌اند. از سوی دیگر، تمایز دقیق میان ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، شبکه‌ها) و قلمروهای متفاوت حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی) نادیده گرفته شده است. همچنین، تأثیر احتمالی تفاوت‌های منطقه‌ای و اجتماعی (مثل مقایسه شهرهای بزرگ، مناطق حاشیه‌نشین، مناطق قومی یا مهاجرپذیر) در این رابطه کمتر تحلیل شده‌اند.

از این رو، پژوهش حاضر با رویکرد بررسی اسنادی و تحلیل نظام‌مند، تلاش دارد تا رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی ایران را با تفکیک مؤلفه‌ها و تحلیل اسناد رسمی و پژوهش‌های معتبر بررسی کند، خلأهای موجود را شناسایی نموده و با ارائه تحلیل تحلیلی-توصیفی، پیشنهادهایی کاربردی برای تقویت حقوق شهروندی و بالا بردن سرمایه اجتماعی در سطوح ملی و منطقه‌ای ارائه دهد.

- در مطالعات انجام‌شده در ایران، نقش احساس برخورداری از حقوق شهروندی در روبنای سرمایه اجتماعی به شکل قابل توجهی بررسی شده است؛ برای مثال، فرجی، رنجبری، مرادی و امیری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش احساس برخورداری از حقوق شهروندی و ابعاد سرمایه‌های اجتماعی بر جهت‌گیری جامعه‌پسندانه دانش‌آموزان» نشان دادند که احساس برخورداری کل ابعاد حقوق اجتماعی، فرهنگی و مدنی ۲۰٪ و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی حدود ۲۷/۵٪ از واریانس جهت‌گیری جامعه‌پسندانه نوجوانان کرمانشاه را توضیح دادند (فرجی و همکاران، ۱۴۰۰).

- در مطالعات مرتبط با حقوق شهروندی، منصوری (۱۳۹۹) در تحقیق منتشرشده در مطالعات حقوقی به بررسی رابطه میان حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی و تعهدات شهروندی پرداخت. این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی، تعهدات شهروندی و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی رابطه قوی و معناداری دارند، و افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند نقش مؤثری در توسعه تعهدات اجتماعی ایفا کند (منصوری، ۱۳۹۹).

- مطالعه دیگری در قالب پایگاه داده سیویلیکا، به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شهروندی دموکراتیک میان دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته است. رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۱) با نمونه‌ای ۳۸۰ نفری دریافتند که افزایش اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی به ترتیب موجب تقویت بعد نگرشی و رفتاری شهروندی دموکراتیک می‌شود، که در این برداشت ابعاد حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (رستگار همکاران، ۱۳۹۱).

در زمینه تحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی، میرلوحی و همکاران بررسی فراتحلیلی مقالات منتشرشده میان سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که مشارکت اجتماعی (اثر اندازه ۰/۳۲)، وضعیت اقتصادی-اجتماعی (۰/۲۷) و مصرف رسانه‌ای (۰/۲۶) بیشترین نقش را در افزایش آگاهی از حقوق شهروندی داشته‌اند (میرلوحی و همکاران، ۱۴۰۳). مطالعه‌ای دیگر در مقاله‌ای درباره تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان نیز نشان داد که افزایش سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و مؤثری با مشارکت سیاسی دارد. علی‌رضا شیخ‌محمدی و ملکشاهی (۱۳۹۶) در کنفرانس ملی علوم اجتماعی گزارش کردند که سرمایه اجتماعی نقش قابل توجهی در افزایش مشارکت سیاسی شهروندان دارد و این امر یکی از شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی و تعمیق حقوق شهروندی در سطح جامعه قلمداد می‌شود (شیخ‌محمدی و ملکشاهی، ۱۳۹۶).

- در حوزه سازمانی، خش‌فر و جندقی (میرمجله ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹) در استان گلستان بررسی کردند که سرمایه اجتماعی با رفتار شهروندی سازمانی کارکنان کمیته امداد ارتباط معنادار دارد؛ نتایج نشان داد مشارکت و دوستی و روحیه داوطلبانه بیشترین تأثیر را روی رفتار شهروندی داشتند، هرچند بعد اعتماد اجتماعی تأثیر کمتری نشان داد (خش‌فر و جندقی، گلستان).

در مجموع، پیشینه تجربی ایران نشان می‌دهد که:

- مطالعاتی مثل فرجی و همکاران (۱۴۰۰) ارتباط بین احساس برخورداری از حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی را در سطح نوجوانان بررسی کرده‌اند. تحقیقات مطالبی همچون منصوری (۱۳۹۹) به صورت مشخص رابطه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی را تحلیل نموده‌اند. پژوهش‌های دانشگاهی مانند رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۱) به ارتباط سرمایه اجتماعی و ابعاد شهروندی دموکراتیک پرداخته‌اند.

- میرلوحی و همکاران (۱۴۰۳) با تحلیل فراتحلیلی فعال عوامل مؤثر بر آگاهی حقوق شهروندی را مشخص کرده‌اند. شیخ‌محمدی و ملکشاهی (۱۳۹۶) سرمایه اجتماعی را برای مشارکت سیاسی شهروندان یک عامل کلیدی دانسته‌اند.

- خش‌فر و جندقی (میرمجله ۱۳۹۸) نیز در چارچوب رفتار سازمانی تأثیر سرمایه اجتماعی را بررسی کرده‌اند. این پیشینه نشان می‌دهد، گرچه شواهد محکمی درباره پیوند میان سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی در ایران وجود دارد، اما عمده مطالعات محدود به گروه‌های خاص (دانش‌آموز، دانشجو، کارکنان سازمانی) و بیشتر بر مشارکت و تعهد تأکید داشته‌اند تا تحلیل دقیق ابعاد حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی). همچنین کمتر پژوهشی از بررسی اسنادی بهره برده که رابطه نظری و قانونی را مورد تحلیل قرار دهد.

۲. روش پژوهش

این مطالعه در زمره‌ی پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و با رویکرد اسنادی - تحلیلی انجام شده است. هدف از این رویکرد، بررسی عمیق و نظام‌مند ارتباط میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی از طریق تحلیل منابع معتبر مکتوب است. در این پژوهش به‌جای گردآوری داده‌های میدانی، از مجموعه‌ای از منابع رسمی و کتابخانه‌ای استفاده شده است که شامل:

- قوانین و اسناد بالادستی کشور نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منشور حقوق شهروندی و سایر آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های مرتبط می‌باشد.
- گزارش‌های ملی و داده‌های حاصل از پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و سایر طرح‌های آماری معتبر است و مقالات علمی - پژوهشی داخلی و خارجی، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های تخصصی در حوزه‌های حقوق شهروندی، جامعه‌شناسی سیاسی و سرمایه اجتماعی است.

پس از گردآوری این منابع، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. برای این منظور، ابتدا متون انتخاب‌شده با دقت مطالعه و گزاره‌های مرتبط استخراج گردید. سپس، بر اساس شاخص‌های اصلی حقوق شهروندی (شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و فرهنگی) و مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و سیاسی، انسجام و همبستگی اجتماعی، و شبکه‌های مدنی) دسته‌بندی و کدگذاری انجام شد. تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی و مقایسه‌ای صورت گرفت؛ به این معنا که ابتدا هر یک از ابعاد حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در اسناد و مطالعات پیشین شناسایی و توصیف شد، سپس با مقایسه یافته‌ها در منابع مختلف، الگوهای ارتباطی و روندهای غالب در خصوص رابطه این دو حوزه در ایران تبیین گردید. استفاده از تحلیل محتوای کیفی این امکان را فراهم ساخت که فراتر از توصیف صرف، روابط مفهومی و زمینه‌های اثرگذاری حقوق شهروندی بر سرمایه اجتماعی (و بالعکس) آشکار شود و تصویری جامع‌تر از وضعیت موجود ارائه گردد.

۳. مبانی نظری

تحلیل رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی مستلزم تبیین مفهومی و نظری این دو متغیر کلیدی است. در ادبیات علوم اجتماعی، حقوق شهروندی به مثابه چارچوبی برای تضمین آزادی‌ها، ایجاد فرصت‌های برابر و فراهم‌سازی بستر مشارکت عمومی شناخته می‌شود و سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از منابع نرم توسعه اجتماعی و از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه انسانی و نهادی مطرح شده است. این دو مفهوم اگرچه از دو خاستگاه نظری متفاوت سرچشمه گرفته‌اند یکی از حوزه جامعه‌شناسی حقوق و علوم سیاسی و دیگری از جامعه‌شناسی توسعه و نظریه‌های کنش اجتماعی اما در عمل دارای پیوندی عمیق، پویا و دوسویه‌اند.

تحقق حقوق شهروندی در یک جامعه، یعنی برخورداری افراد از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی به معنای واقعی کلمه، به افزایش سطح اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی مؤثر منجر می‌شود. در جوامعی که شهروندان از احساس امنیت حقوقی و امکان مشارکت سیاسی و اجتماعی برخوردارند، هنجارهای اعتماد و همکاری به صورت درونی و خودجوش شکل می‌گیرد و این امر به گسترش سرمایه اجتماعی کمک می‌کند.

در مقابل، در شرایطی که حقوق شهروندی محدود یا نادیده گرفته شود، پیامدهای آن اغلب به شکل بی‌اعتمادی نهادی، گسترش گسست‌های اجتماعی، کاهش انگیزه مشارکت و تضعیف شبکه‌های مدنی نمایان می‌شود. از سوی دیگر، وجود سرمایه اجتماعی قوی نیز شرطی اساسی برای شکل‌گیری و تداوم حقوق شهروندی است. سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های مدنی، هنجارهای همیاری و اعتماد متقابل، ظرفیت جامعه را برای مطالبه‌گری، کنترل اجتماعی، و حمایت از قوانین عادلانه افزایش می‌دهد. هرچه این سرمایه گسترده‌تر و نهادینه‌تر باشد، پایه‌های دموکراسی، پاسخگویی نهادی و رعایت حقوق شهروندی نیز استوارتر می‌شود. بنابراین، این دو مقوله را می‌توان به مثابه یک چرخه مثبت (Positive Feedback Loop)

در نظر گرفت که در صورت تقویت یکی، دیگری نیز رشد می‌کند و برعکس. اهمیت این رابطه به‌ویژه در جوامع در حال گذار، مانند ایران، دوچندان است. در چنین جوامعی، هرگونه ضعف در ساختارهای حقوقی و سیاسی یا کاستی در اعتماد اجتماعی، می‌تواند مانع از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار و نهادینه‌شدن حقوق شهروندی گردد. از این رو، بررسی این پیوند نه تنها به روشن‌شدن بنیان‌های نظری و مفهومی آن کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و حقوقی برای بازسازی اعتماد عمومی، ارتقای مشارکت مدنی و کاهش فاصله میان دولت و جامعه باشد.

۴. مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف متقابل میان دولت و شهروندان تعریف می‌شود که زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی، تضمین آزادی‌های مدنی و تسهیل مشارکت سیاسی در جامعه است (Marshall, 1992). این مفهوم، به جای تمرکز صرف بر حقوق فردی، بر رابطه دوسویه و تعاملی میان فرد و ساختارهای حکومتی تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که حقوق شهروندی هم متضمن آزادی‌ها و حمایت‌های فردی است و هم تعهدات و مسئولیت‌هایی که شهروندان در قبال جامعه و دولت بر عهده دارند. تئوری مارشال (۱۹۹۲) یکی از معتبرترین چارچوب‌های نظری در تعریف و طبقه‌بندی حقوق شهروندی را ارائه کرده و سه بُعد اصلی را در این حوزه شناسایی می‌کند:

- **حقوق مدنی:** این دسته شامل آزادی‌های اساسی فردی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آزادی بیان، حق مالکیت، حق دسترسی به محاکم عادلانه و تضمین امنیت فردی اشاره کرد. حقوق مدنی زمینه‌های لازم برای حیات مستقل و آزادانه شهروندان را فراهم می‌آورد و مانع از سوء استفاده قدرت دولتی می‌شود.
- **حقوق سیاسی:** این بخش بر مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای سیاسی و حکومتی تمرکز دارد؛ شامل حق رأی دادن و انتخاب شدن، امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی، تشکیل احزاب سیاسی، و دسترسی به مناصب دولتی و عمومی. حقوق سیاسی اساس دموکراسی را شکل می‌دهد و نقش مهمی در پاسخگویی و شفافیت نظام حکومتی ایفا می‌کند.
- **حقوق اجتماعی:** این دسته شامل حقوقی است که به رفاه و کیفیت زندگی شهروندان مربوط می‌شود، از جمله حق آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی و سایر خدمات عمومی. حقوق اجتماعی نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری‌هاست که زمینه ساز عدالت اجتماعی است. در ایران، مفهوم حقوق شهروندی طی دهه‌های اخیر، به ویژه پس از تصویب منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۵، به صورت رسمی و قانونی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این منشور تلاش می‌کند تا اصول بنیادین حقوق فردی و جمعی شهروندان را در چارچوب قانون اساسی به صراحت بیان کند و تعهدات دولت را در قبال رعایت و تضمین این حقوق مشخص سازد. با این حال، علیرغم وجود قوانین و اسناد قانونی متعدد، در عمل چالش‌هایی همچون ضعف ساختار نهادهای مدنی، محدودیت آزادی‌های سیاسی، وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و مشکلات مرتبط با شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی مانع تحقق کامل حقوق شهروندی شده است (بشیریه، ۱۳۸۰). این محدودیت‌ها به کاهش اعتماد عمومی و نارضایتی اجتماعی دامن زده و زمینه‌های لازم برای مشارکت فعال و مؤثر شهروندان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. از این رو، فهم دقیق و همه‌جانبه از ابعاد حقوق شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند به طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی کمک کند که هدفشان ارتقای عدالت، آزادی و مشارکت در جامعه باشد.

۵. مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی است که نخستین بار به‌طور نظام‌مند توسط پیر بورديو در سال ۱۹۸۶ مطرح شد و پس از آن توسط نظریه‌پردازان برجسته‌ای چون جیمز کلمن (۱۹۹۰) و رابرت پاتنام (۱۹۹۳) توسعه و بسط یافت. هر یک از این نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی را از منظر متفاوت تعریف کرده‌اند، اما همه بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل تأکید دارند.

بورديو سرمايه اجتماعي را به عنوان «شبکه‌ای از روابط اجتماعي پايدار که بر شناخت، ارتباط و اعتماد متقابل استوار است» تعريف می‌کند و معتقد است که اين سرمايه به عنوان یک منبع استراتژیک به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد تا از مزایای شبکه‌های خود بهره‌مند شوند و موقعیت اجتماعي‌شان را ارتقا دهند (Bourdieu, 1986). برای بورديو، سرمايه اجتماعي صرفاً مجموعه‌ای از روابط نیست، بلکه ظرفیت دستیابی به منابع و فرصت‌ها از طریق اين روابط است که اهميت دارد.

کلمن (۱۹۹۰) سرمايه اجتماعي را به عنوان منابعی می‌بیند که در ساختار اجتماعي نهفته‌اند و کنشگران اجتماعي می‌توانند برای تسهيل کنش‌های خود و تحقق اهدافشان از اين منابع بهره ببرند. از نظر کلمن، سرمايه اجتماعي بیش از آنکه به خود روابط توجه کند، به کارکرد و تأثیر اين روابط بر کنش‌های اجتماعي تمرکز دارد و معتقد است که سرمايه اجتماعي موجب تقويت نظم اجتماعي، افزايش همکاري و کاهش هزینه‌های تراکنش در جامعه می‌شود.

پاتنام (۱۹۹۳) مفهوم سرمايه اجتماعي را بیشتر در قالب «مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارهای مشترک و اعتماد اجتماعي» می‌نگرد که همکاري میان افراد را تسهيل می‌کند و به افزايش کنش جمعي منجر می‌شود. او در مطالعات خود بر نقش سرمايه اجتماعي در تقويت دموکراسي، افزايش مشارکت مدني و کارآمدی نهادهای اجتماعي تأکید می‌کند. از دیدگاه پاتنام، سرمايه اجتماعي زمینه‌ای برای «خودسازماندهی» جامعه و ایجاد همکاري‌های مؤثر در سطوح محلي و ملي است.

از منظر فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۹)، سرمايه اجتماعي نتیجه مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و انتظارات مشترک است که امکان همکاري و اعتماد متقابل میان افراد را فراهم می‌آورد. فوکویاما معتقد است بدون وجود سرمايه اجتماعي، حتی با وجود قوانین و نهادهای رسمي نیز نمی‌توان تعاملات مدني پايدار و مؤثر ایجاد کرد، زیرا اعتماد اجتماعي زیربنای اصلی تمام تعاملات اجتماعي و اقتصادي است (Fukuyama, 1999). به بیان دیگر، سرمايه اجتماعي نوعی «چسب اجتماعي» است که ساختارهای اجتماعي را پايدار نگه می‌دارد و امکان توسعه و پیشرفت اجتماعي را فراهم می‌سازد. علاوه بر اين دیدگاه‌ها، سرمايه اجتماعي را می‌توان به سه بعد اصلی تقسيم کرد:

- شبکه‌های اجتماعي: مجموعه روابط و ارتباطات میان افراد و گروه‌ها که امکان تبادل منابع، اطلاعات و حمايت را فراهم می‌آورد.
- اعتماد و هنجارهای اجتماعي: باورها و انتظارات مشترکی که همکاري و رفتارهای اجتماعي مثبت را تسهيل می‌کند و به کاهش نااطمينانی در تعاملات اجتماعي کمک می‌کند.
- مشارکت مدني و فعاليت‌های جمعي: مشارکت فعال افراد در امور عمومي و نهادهای مدني که زمینه‌ساز تقويت سرمايه اجتماعي و توسعه جامعه مدني است.

سرمایه اجتماعی علاوه بر مزایای فردی، دارای آثار کلان اجتماعی و اقتصادی نیز هست؛ از جمله افزایش همبستگی اجتماعی، ارتقای کیفیت حکمرانی، تسهیل توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها. بر همین اساس، تقویت سرمایه اجتماعی یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذاران و پژوهشگران اجتماعی در توسعه پایدار در سراسر جهان است.

۶. پیوند حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی

رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی دوطرفه و دیالکتیکی است. از یک سو، تحقق حقوق شهروندی بستر لازم برای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، وجود سرمایه اجتماعی قوی، تضمینی برای مطالبه‌گری و دفاع از حقوق شهروندی به شمار می‌رود. رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای دوطرفه، پیچیده و دیالکتیکی است که هر یک از این دو مفهوم بر دیگری تأثیرگذار بوده و در عین حال، تقویت‌کننده و پیش‌برنده همدیگر محسوب می‌شوند. از یک سو، تحقق گسترده و عادلانه حقوق شهروندی، بستر و زمینه لازم برای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، ارتقای مشارکت مدنی و تقویت انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، وجود سرمایه اجتماعی قوی و نهادینه‌شده، بستر مستحکمی برای مطالبه‌گری حقوق شهروندی و دفاع از این حقوق در مقابل نقض‌ها و محدودیت‌ها است. چند بخش مرتبط با این حوزه می‌تواند چنین انگاشته شود.

۱-۶: حقوق مدنی و اعتماد اجتماعی

حقوق مدنی که شامل آزادی‌های فردی از جمله آزادی بیان، حق مالکیت، امنیت قضایی و برخورداری از دادرسی عادلانه است، اساس اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. وقتی شهروندان اطمینان داشته باشند که حقوق‌شان محترم شمرده می‌شود و از حمایت قانونی برخوردارند، اعتماد به دیگران و نهادهای رسمی افزایش می‌یابد. این اعتماد موجب شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی پایدار و توسعه روابط مبتنی بر همکاری و همیاری می‌شود. پژوهش‌های پاتنام (۲۰۰۰) نشان داده است که جوامعی که حقوق مدنی در آنها رعایت می‌شود، سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی دارند که منجر به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

۲-۶: حقوق سیاسی و مشارکت مدنی

حقوق سیاسی، مانند حق رأی، آزادی تشکیل احزاب و انجمن‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی، نقش کلیدی در تقویت سرمایه اجتماعی دارد. مشارکت فعال شهروندان در عرصه سیاسی، علاوه بر ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری، باعث افزایش تعاملات اجتماعی و تبادل اطلاعات می‌شود که سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. کلمن (۱۹۹۰) بر این نکته تأکید دارد که وجود نهادهای مدنی و سیاسی باز، زمینه‌های لازم برای افزایش مشارکت مدنی و تقویت سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد. مشارکت سیاسی، نه تنها تضمین‌کننده پاسخگویی حکومت است، بلکه باعث گسترش هنجارهای همکاری و همبستگی اجتماعی نیز می‌شود.

۳-۶: حقوق اجتماعی و انسجام جمعی

حقوق اجتماعی که شامل دسترسی برابر به آموزش، خدمات بهداشتی، تأمین اجتماعی و فرصت‌های برابر در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی است، نقش مهمی در تقویت حس عدالت و همبستگی ملی دارد. وقتی همه افراد جامعه از حداقل سطح رفاه و فرصت‌های برابر برخوردار باشند، از بروز نابرابری‌های مخرب و احساس تبعیض کاسته شده و انسجام اجتماعی تقویت می‌شود. فوکویاما (۱۹۹۹) معتقد است که سرمایه اجتماعی تنها در بستر عدالت اجتماعی و کاهش شکاف‌های اقتصادی و فرهنگی پایدار می‌ماند. دسترسی عادلانه به خدمات و امکانات اجتماعی موجب افزایش اعتماد متقابل و کاهش تنش‌های اجتماعی می‌شود که از عوامل کلیدی حفظ سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود.

۷. نقش سرمایه اجتماعی در تقویت حقوق شهروندی

علاوه بر این، سرمایه اجتماعی قوی خود موجب تقویت حقوق شهروندی نیز می‌شود. شبکه‌های اجتماعی گسترده، وجود هنجارهای مشارکت‌پذیر و فرهنگ اعتماد متقابل، شهروندان را توانمند می‌سازد تا حقوق خود را مطالبه کنند و در برابر نقض حقوق مدنی و سیاسی مقاومت نمایند. سرمایه اجتماعی، به عنوان «سرمایه کنش جمعی» (Collective Action) عمل کرده و به شهروندان امکان می‌دهد تا در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی دخالت مؤثرتری داشته باشند و نهادهای دموکراتیک را پاسخگو کنند. رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای دوطرفه، پیچیده و دیالکتیکی است که هر یک از این دو مفهوم بر دیگری تأثیرگذار بوده و در عین حال، تقویت‌کننده و پیش‌برنده همدیگر محسوب می‌شوند.

رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای دوطرفه، پیچیده و دیالکتیکی است که هر یک از این دو مفهوم بر دیگری تأثیرگذار بوده و در عین حال، تقویت‌کننده و پیش‌برنده همدیگر محسوب می‌شوند. از یک سو، تحقق گسترده و عادلانه حقوق شهروندی، بستر و زمینه لازم برای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، ارتقای مشارکت مدنی و تقویت انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، وجود سرمایه اجتماعی قوی و نهادینه‌شده، بستر مستحکمی برای مطالبه‌گری حقوق شهروندی و دفاع از این حقوق در مقابل نقض‌ها و محدودیت‌ها است.

حقوق مدنی که شامل آزادی‌های فردی از جمله آزادی بیان، حق مالکیت، امنیت قضایی و برخورداری از دادرسی عادلانه است، اساس اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد. وقتی شهروندان اطمینان داشته باشند که حقوق‌شان محترم شمرده می‌شود و از حمایت قانونی برخوردارند، اعتماد به دیگران و نهادهای رسمی افزایش می‌یابد. این اعتماد موجب شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی پایدار و توسعه روابط مبتنی بر همکاری و همیاری می‌شود. پژوهش‌های پاتنام (۲۰۰۰) نشان داده است که جوامعی که حقوق مدنی در آنها رعایت می‌شود، سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی دارند که منجر به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

یافته‌های تحقیقاتی مطالعات موردی

۸. وضعیت ایران در زمینه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی

پژوهش‌های متعدد در ایران نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در جوامعی که احساس بهره‌مندی شهروندان از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی بیشتر است، بالاتر است. برای مثال، رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۱) نشان دادند که در میان دانشجویان دانشگاه تهران، افزایش اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی با تقویت نگرش‌های مبتنی بر حقوق شهروندی همراه بوده است. همچنین میرلوحی و همکاران (۱۴۰۳) در فراتحلیلی بر مقالات ایرانی دریافتند که مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای مستقیم با سطح سرمایه اجتماعی دارند. در عین حال، برخی مطالعات مانند تحقیق منصوری (۱۳۹۹) بیان می‌کنند که چالش‌هایی چون ضعف ساختارهای مدنی، نابرابری اجتماعی و محدودیت در آزادی‌های سیاسی، مانع رشد متوازن سرمایه اجتماعی و تحقق حقوق شهروندی در ایران شده است.

در نهایت مبانی نظری این پژوهش بر تبیین دو مفهوم کلیدی «حقوق شهروندی» و «سرمایه اجتماعی» و بررسی رابطه پیچیده و دوسویه میان آنها استوار است. حقوق شهروندی به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف متقابل میان شهروندان و دولت، در سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی، پایه‌های عدالت، آزادی و مشارکت فعال در جامعه را شکل می‌دهد. تحقق این حقوق زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی، تضمین امنیت فردی و فراهم آوردن بستر مناسب برای فعالیت‌های مدنی و سیاسی است.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به مثابه منابع نرم و شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر اعتماد، هنجارهای مشترک و مشارکت جمعی، نقش حیاتی در توسعه پایدار، انسجام اجتماعی و کارآمدی نهادهای مدنی ایفا می‌کند. نظریه‌پردازانی چون بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما بر اهمیت سرمایه اجتماعی در تسهیل همکاری، کاهش هزینه‌های تراکنش اجتماعی و ایجاد ظرفیت برای مطالبه‌گری حقوق تأکید دارند. پیوند میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای متقابل و تقویت‌کننده است؛ تحقق حقوق شهروندی زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی است و در مقابل، سرمایه اجتماعی قوی، بستر و ظرفیت لازم برای مطالبه‌گری حقوق و پایداری نهادهای مدنی را فراهم می‌کند.

این چرخه تعاملی در جوامعی مانند ایران که با چالش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و مطالعه دقیق آن می‌تواند به طراحی سیاست‌های مؤثر در جهت تقویت همزمان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی کمک نماید. در مجموع، مبانی نظری این پژوهش نشان می‌دهد که بدون تحقق همزمان حقوق شهروندی و توسعه سرمایه اجتماعی، تحقق توسعه اجتماعی پایدار و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان دشوار خواهد بود. بنابراین، پرداختن به این دو مقوله در قالب یک رویکرد تحلیلی و اسنادی، می‌تواند زمینه‌ساز شناخت بهتر وضعیت موجود و ارائه راهکارهای سیاست‌پژوهانه در ایران باشد.

با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده که بر اهمیت و پیوند متقابل میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی تأکید دارند، در این بخش به ارائه یافته‌های پژوهش می‌پردازیم. یافته‌ها بر اساس تحلیل اسنادی منابع مختلف شامل قوانین، گزارش‌ها و مطالعات پژوهشی مرتبط با وضعیت حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران استخراج شده‌اند. این یافته‌ها تلاش می‌کنند تا ابعاد مختلف تحقق حقوق شهروندی را در عرصه‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی تبیین کنند و در ادامه، تأثیر این تحقق یا عدم تحقق بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی را بررسی نمایند. همچنین، سازوکارهای پیونددهنده و عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف این رابطه در بستر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل یافته‌ها با هدف ارائه تصویری واقع‌بینانه از وضعیت موجود و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و راهکارهای عملی در جهت تقویت همزمان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی و ارتقای توسعه پایدار در جامعه ایران باشد.

۸-۱: وضعیت حقوق شهروندی در اسناد قانونی ایران

مروری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که اصول متعددی به حقوق شهروندی اختصاص یافته است. اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی، به‌طور ویژه بر حقوق اساسی شهروندان از جمله برابری در برابر قانون، آزادی بیان، حق آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی و مشارکت سیاسی تأکید دارند.

به عنوان نمونه، اصل ۲۳ به آزادی عقیده و ایمان اختصاص یافته است، اصل ۲۴ بر آزادی مطبوعات تأکید می‌کند، اصل ۲۶ آزادی تشکیل احزاب و انجمن‌ها را تضمین می‌نماید، اصل ۲۷ به آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز پرداخته و اصل ۳۴ حق دادخواهی و دسترسی عادلانه به دادگاه را تضمین می‌کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

با وجود این تأکیدات قانونی، گزارش‌های متعدد، از جمله گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد که اجرای عملی این حقوق با چالش‌های جدی و مستمری روبرو است؛ به ویژه در حوزه آزادی‌های سیاسی و مدنی، محدودیت‌هایی همچون کنترل رسانه‌ها، محدودیت در فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، و محدودیت در آزادی تجمعات، فضای حقوق شهروندی را محدود ساخته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸).

علاوه بر قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی که در سال ۱۳۹۵ توسط دولت جمهوری اسلامی ایران منتشر شد، کوشید تا با الهام از اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی، فهرست جامعی از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان را به صراحت مشخص کند. این منشور شامل اصولی مانند احترام به کرامت انسانی، حق حیات، آزادی بیان و مشارکت در امور عمومی است و سعی دارد چارچوبی قانونی و اخلاقی برای رعایت حقوق شهروندان فراهم آورد (دولت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵).

با این وجود، پژوهش‌های علمی و گزارش‌های نهادهای مدافع حقوق بشر، همچنان بر عدم وجود ضمانت اجرایی کافی برای این منشور تأکید دارند و معتقدند که منشور بیشتر جنبه نمادین و توصیه‌ای یافته و تاکنون نتوانسته به شکل ملموس و مؤثر در بهبود وضعیت حقوق شهروندی در ایران تأثیرگذار باشد (حسینی و موسوی، ۱۳۹۷؛ دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۱۹). از مهم‌ترین موانع می‌توان به ضعف نهادهای مدنی، محدودیت در آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، نابرابری‌های گسترده اقتصادی و فقدان شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی اشاره کرد که اجرای کامل و مؤثر حقوق شهروندی را با چالش مواجه ساخته است (رحیمی، ۱۴۰۰). این فاصله میان چارچوب‌های قانونی و شرایط واقعی زندگی شهروندان، نشان‌دهنده ضرورت بررسی دقیق‌تر وضعیت حقوق شهروندی در ایران و شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق یا عدم تحقق این حقوق است. چنین تحلیلی می‌تواند راهگشای اصلاحات ساختاری و طراحی سیاست‌هایی برای تقویت حقوق شهروندی و ارتقای سرمایه اجتماعی باشد.

۲-۸: شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران

بر اساس نتایج پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۹ انجام شده است، شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها، سطح اعتماد اجتماعی است که در سال‌های اخیر روندی کاهشی داشته است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۹).

یافته‌های این پیمایش‌ها حاکی از آن است که:

- اعتماد به نهادهای رسمی شامل دولت، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه در مقایسه با دهه ۱۳۸۰ به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است. این کاهش اعتماد به نهادهای رسمی می‌تواند به ضعف پاسخگویی، نبود شفافیت و محدودیت در مشارکت عمومی نسبت داده شود (پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹).
 - در مقابل، اعتماد بین‌فردی، که شامل اعتماد به خانواده، دوستان و همسایگان می‌شود، هنوز در سطح نسبتاً بالاتری قرار دارد، اما این نوع اعتماد نیز در حال کاهش است که نشانه‌ای از آسیب‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی در ساختار روابط اجتماعی محسوب می‌شود (مرکز تحقیقات اجتماعی، ۱۳۹۸).
 - یکی دیگر از شاخص‌های کلیدی سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت مدنی و سیاسی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان مشارکت فعال شهروندان در قالب عضویت در احزاب، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌های داوطلبانه بسیار پایین است؛ به گونه‌ای که کمتر از ۷ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که عضویت فعال در چنین نهادهایی دارند (پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹). این موضوع بیانگر ضعف نهادهای مدنی و کم‌رنگ شدن حس مسئولیت اجتماعی است.
 - همچنین، تحلیل ساختاری سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران عمدتاً در سطح شبکه‌های غیررسمی مانند خانواده و دوستان متمرکز است، در حالی که سرمایه اجتماعی نهادی و رسمی که شامل نهادهای مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌شود، در سطح پایین و شکننده‌ای قرار دارد. این وضعیت باعث می‌شود که ظرفیت جامعه برای خودسازماندهی و توسعه همکاری‌های جمعی محدود گردد و بستر لازم برای مطالبه‌گری و تقویت دموکراسی ضعیف شود (نجفی، ۱۴۰۰).
- علاوه بر این، عوامل متعددی مانند نابرابری‌های اقتصادی، ضعف نهادهای مدنی، محدودیت‌های سیاسی، و بحران‌های فرهنگی به کاهش سرمایه اجتماعی در ایران دامن زده‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این عوامل به کاهش اعتماد متقابل و کاهش مشارکت فعال شهروندان در عرصه‌های عمومی منجر شده‌اند که خود تهدیدی جدی برای توسعه پایدار و انسجام اجتماعی کشور به شمار می‌آید (فریدونی و همکاران، ۱۳۹۷).

بنابراین، بررسی دقیق شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که برای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود وضعیت مشارکت و اعتماد، نیازمند اصلاحات ساختاری در نهادهای رسمی و تقویت شبکه‌های مدنی، افزایش شفافیت و پاسخگویی، و کاهش نابرابری‌های اجتماعی هستیم.

۳-۸: رابطه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران

مطالعه اسناد قانونی، گزارش‌های رسمی و تحقیقات میدانی موجود نشان می‌دهد که وضعیت حقوق شهروندی در ایران ارتباطی تنگاتنگ و مستقیم با سطح سرمایه اجتماعی دارد. در واقع، هرگونه محدودیت یا تقویت در حقوق شهروندی به صورت ملموس بر میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت و انسجام اجتماعی تأثیرگذار است.

۱-۳-۸: بعد مدنی

محدودیت‌های گسترده در حوزه آزادی بیان، آزادی مطبوعات و دسترسی آزاد به اطلاعات باعث کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی شده است (شریعتی و احمدی، ۱۴۰۰). نبود شفافیت کافی و تنگناهای رسانه‌ای، موجب شکل‌گیری فضای بی‌اعتمادی و افزایش بدگمانی نسبت به دولت و نهادهای حکومتی شده است. این شرایط، کاهش مشارکت در فعالیتهای مدنی و اجتماعی را به همراه داشته و شبکه‌های اعتماد اجتماعی را تضعیف کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فقدان آزادی بیان و فضای بسته سیاسی به کاهش توانمندی جامعه مدنی و فروپاشی سرمایه اجتماعی منجر می‌شود (نجفی، ۱۳۹۹).

۲-۳-۸: بعد سیاسی

اگرچه در برخی مقاطع تاریخی مانند انتخابات سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ شاهد مشارکت بالای انتخاباتی بوده‌ایم، اما در سال‌های اخیر مشارکت سیاسی دچار رکود و کاهش چشمگیری شده است. بر اساس آمار وزارت کشور، میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم (۱۳۹۸) به حدود ۴۲ درصد رسید که پایین‌ترین سطح مشارکت در چهار دهه اخیر محسوب می‌شود (وزارت کشور، ۱۳۹۸). این افت مشارکت سیاسی نمایانگر کاهش سرمایه اجتماعی در سطح ملی است و به‌ویژه نشان‌دهنده ضعف ارتباط میان مردم و نهادهای سیاسی، کاهش اعتماد به فرآیندهای دموکراتیک و احساس ناتوانی در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور است (کاظمی، ۱۴۰۰).

۳-۳-۸: بعد اجتماعی

ایران دستاوردهای قابل توجهی در زمینه آموزش و بهداشت داشته است؛ به‌خصوص افزایش نرخ باسوادی و گسترش پوشش بیمه‌های درمانی از موفقیت‌های مهم محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). با این حال، افزایش نابرابری اقتصادی، شکاف طبقاتی گسترده و ضعف در توزیع عادلانه منابع، باعث شده است که حس بی‌عدالتی در میان اقشار مختلف جامعه تقویت شود.

این بی‌عدالتی‌ها به نوبه خود اعتماد اجتماعی را تضعیف کرده و منجر به کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فاصله میان گروه‌های اجتماعی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱). فقدان فرصت‌های برابر در حوزه اقتصادی و اجتماعی، مانع از شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار و مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت که وضعیت حقوق شهروندی در ایران نه تنها منعکس‌کننده سطح سرمایه اجتماعی است، بلکه یکی از عوامل تعیین‌کننده در کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. بهبود وضعیت حقوق شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند نقش اساسی در بازسازی اعتماد عمومی، افزایش مشارکت مدنی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا کند؛ امری که لازمه توسعه پایدار و تحکیم نهادهای دموکراتیک در کشور است.

۴-۸: تحلیل اسنادی روند دهه اخیر

بررسی گزارش‌های رسمی منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور طی یک دهه اخیر نشان می‌دهد که علی‌رغم تدوین و تصویب اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه‌ای متعدد، تحقق عملی حقوق شهروندی در ایران با چالش‌های جدی مواجه بوده است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی و محدودیت دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات، سبب کاهش اعتماد عمومی و تعمیق فاصله میان مردم و نهادهای حکومتی شده است. از سوی دیگر، محدودیت‌های قانونی و نظارتی بر فعالیت احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، توان این نهادها را در ایفای نقش نظارتی و ارتقای سرمایه اجتماعی به شدت کاهش داده و در عمل، مشارکت داوطلبانه و ظرفیت کنش جمعی جامعه را تضعیف کرده است. روند فزاینده تورم و کاهش مداوم قدرت خرید در دهه ۱۳۹۰، موجب افزایش نابرابری‌های اقتصادی، تشدید فاصله طبقاتی و تقویت حس بی‌عدالتی در جامعه شده که این وضعیت نیز بر اعتماد متقابل و انسجام اجتماعی تأثیر منفی گذاشته است. علاوه بر این، منشور حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۹۵، با وجود اهداف روشنی که برای تقویت حقوق شهروندان ترسیم کرده بود، به دلیل فقدان ضمانت اجرایی مؤثر عمدتاً جنبه نمادین پیدا کرده و نتوانسته است در بهبود وضعیت عملی حقوق شهروندی تأثیر قابل توجهی داشته باشد (حسینی و موسوی، ۱۳۹۷).

مطالعه این اسناد نشان می‌دهد که در ایران رابطه‌ای دوسویه و تأثیرگذار میان وضعیت حقوق شهروندی و سطح سرمایه اجتماعی وجود دارد. ضعف در اجرای مؤثر حقوق مدنی و سیاسی به کاهش مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی منجر شده است.

در مقابل، پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی رسمی که خود را در ضعف عضویت فعال در احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نشان می‌دهد موجب محدود شدن ظرفیت جامعه برای مطالبه‌گری مؤثر و دفاع از حقوق شهروندی شده است. این چرخه معیوب که یک‌سو آن کم‌اثر بودن اجرای حقوق شهروندی و سوی دیگر آن کاهش سرمایه اجتماعی رسمی است، در بلندمدت می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف کرده و شکاف دولت - ملت را افزایش دهد. بر اساس این یافته‌ها، اصلاحات نهادی و قانونی، افزایش شفافیت، تقویت نهادهای مدنی و بازسازی اعتماد اجتماعی شرط اساسی برای شکستن این چرخه و حرکت به سوی ارتقای سرمایه اجتماعی و تحقق پایدار حقوق شهروندی در کشور است (رحیمی، ۱۴۰۱).

یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر تحلیل اسنادی اسناد قانونی، گزارش‌های ملی و مطالعات پیشین در حوزه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران است، نشان می‌دهد که میان این دو مقوله رابطه‌ای دوسویه و تعاملی وجود دارد. بررسی روند دهه اخیر حاکی از آن است که ضعف در تحقق عملی حقوق شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی، به شکل مستقیم موجب کاهش سطح اعتماد اجتماعی، افت مشارکت سیاسی و مدنی و تضعیف انسجام اجتماعی شده است. از سوی دیگر، محدودیت و ضعف سرمایه اجتماعی رسمی و نهادی (مانند مشارکت سازمان‌یافته در احزاب، انجمن‌ها و نهادهای مدنی) باعث کاهش توان جامعه برای مطالبه‌گری مؤثر و پیگیری حقوق شهروندی گردیده است.

این تعامل معیوب نشان می‌دهد که چرخه‌ای بازتولید شونده از «کاهش اعتماد و مشارکت» و «ضعف در اجرای حقوق شهروندی» در حال شکل‌گیری است که تداوم آن می‌تواند شکاف دولت - ملت را تشدید کند. همچنین، یافته‌ها بیانگر آن است که با وجود تلاش‌های قانونی همچون تدوین منشور حقوق شهروندی و تأکید قانون اساسی بر حقوق بنیادین، نبود ضمانت‌های اجرایی، ضعف شفافیت نهادی و گسترش نابرابری‌های اجتماعی مانع تحقق مؤثر این حقوق شده و سرمایه اجتماعی رسمی را در سطحی پایین نگه داشته است. بنابراین، بر اساس این مطالعه، تقویت متقابل حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی تنها در سایه اصلاحات نهادی، افزایش شفافیت، ایجاد فرصت‌های برابر و توانمندسازی نهادهای مدنی امکان‌پذیر است. این امر نه تنها می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی کمک کند بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار و افزایش کیفیت حکمرانی در کشور خواهد بود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر نشان داد که میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران پیوندی عمیق، دوسویه و تأثیرگذار برقرار است. نتایج تحلیل اسنادی اسناد قانونی و گزارش‌های ملی بیانگر آن است که اگرچه چارچوب‌های حقوقی نسبتاً جامع و متنوعی برای تضمین حقوق شهروندی در کشور وجود دارد، اما در سطح اجرا و تحقق عملی، کاستی‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اصول مرتبط با آزادی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی، بستر حقوقی لازم را فراهم کرده و «منشور حقوق شهروندی» نیز تلاشی در جهت بازتعریف و تبیین این حقوق بوده است؛ با این حال محدودیت در آزادی‌های سیاسی، ضعف در ضمانت‌های اجرایی و ناکارآمدی برخی نهادها موجب شده است که بخش قابل توجهی از این حقوق در حد اسناد و بیانیه‌ها باقی بماند و به نتایج عینی منجر نشود.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران با روندی نزولی روبه‌رو بوده است. بر اساس داده‌های پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و میزان مشارکت در عرصه‌های مدنی و سیاسی در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری داشته است. این شرایط باعث شده سرمایه اجتماعی بیش از پیش در سطح روابط غیررسمی و شبکه‌های خویشاوندی متمرکز شود و از ایفای نقش گسترده خود در شکل‌دهی به انسجام اجتماعی و ارتقای مشارکت عمومی بازماند.

رابطه دوسویه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در یافته‌های این مطالعه به روشنی آشکار است. تحقق عملی و مؤثر حقوق شهروندی می‌تواند زمینه تقویت اعتماد، مشارکت و همکاری اجتماعی را فراهم سازد و از این طریق به بازتولید سرمایه اجتماعی کمک کند. در مقابل، سرمایه اجتماعی فعال و گسترده، بستر مناسبی برای مطالبه‌گری مؤثر، نظارت همگانی و اجرای کارآمدتر حقوق شهروندی ایجاد می‌کند. بنابراین، تضعیف هر یک از این دو حوزه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر دیگری اثر منفی گذاشته و چرخه‌ای معیوب به وجود می‌آورد که به کاهش اعتماد عمومی، تضعیف انسجام اجتماعی و افت مشروعیت نهادی منجر می‌شود.

تداوم وضع موجود می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در پی داشته باشد. فاصله گرفتن عملکردهای نهادی از مفاد و وعده‌های قانونی، موجب افزایش شکاف دولت - ملت، کاهش سطح مشارکت سیاسی و مدنی و افت سرمایه اجتماعی می‌شود. این روند نه تنها مانعی برای تحقق عملی حقوق شهروندی است، بلکه به کاهش حس تعلق و اعتماد عمومی نسبت به ساختارهای رسمی نیز منجر خواهد شد. از این رو، بازاندیشی در سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

تقویت ضمانت‌های اجرایی برای تحقق حقوق شهروندی، ارتقای شفافیت نهادی، گسترش عدالت اجتماعی، و حمایت جدی از نهادهای مدنی و مشارکت‌جویانه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه احیای سرمایه اجتماعی و ارتقای اعتماد عمومی را فراهم سازد. علاوه بر این، ارتقای سطح آگاهی عمومی و فرهنگ مدنی از طریق نظام آموزشی و رسانه‌های جمعی نقشی کلیدی در بازسازی اعتماد اجتماعی و توسعه کنشگری مدنی خواهد داشت. در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کند که توسعه سیاسی و اجتماعی پایدار در ایران منوط به توجه هم‌زمان، متوازن و هم‌افزایانه به دو مقوله «حقوق شهروندی» و «سرمایه اجتماعی» است؛ زیرا هیچ‌یک از این دو بدون دیگری قادر به تحقق کامل و پایدار نخواهد بود. بررسی اسنادی رابطه میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران نشان داد که این دو مقوله نه تنها به صورت موازی بلکه به شکل متقابل و هم‌افزا بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

نتایج مطالعه بیانگر آن است که ضعف در تحقق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، بستر بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی را فراهم کرده و به موازات آن، ضعف سرمایه اجتماعی رسمی و نهادی، توان جامعه را برای مطالبه‌گری و دفاع از حقوق شهروندی کاهش داده است. این چرخه، که در دهه اخیر با کاهش شفافیت نهادی، محدود شدن نقش نهادهای مدنی، افزایش نابرابری اقتصادی و کم‌اثر بودن منشور حقوق شهروندی تشدید شده است، پیامدهایی همچون افت مشارکت سیاسی و مدنی، تضعیف انسجام اجتماعی و تعمیق شکاف دولت - ملت را در پی داشته است. این پژوهش تأکید می‌کند که بازسازی اعتماد اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی نیازمند سیاست‌هایی است که از یک‌سو به تحقق عملی و پایدار حقوق شهروندی از طریق شفافیت، پاسخ‌گویی و اجرای عدالت اجتماعی منجر شود و از سوی دیگر، ظرفیت جامعه مدنی را برای مشارکت و مطالبه‌گری تقویت کند. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که چرخه معیوب کاهش حقوق شهروندی و افت سرمایه اجتماعی جای خود را به چرخه‌ای سازنده و تقویت‌کننده بدهد که در آن حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی و کیفیت حکمرانی به صورت هم‌زمان ارتقا یابند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در حوزه حکمرانی و توسعه اجتماعی در ایران باشد و بر ضرورت نگاه یکپارچه و سیستماتیک به حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی به عنوان دو رکن اساسی توسعه پایدار تأکید دارد.

یافته‌های این پژوهش با بخش عمده‌ای از تحقیقات پیشین و چارچوب‌های نظری مطرح شده در حوزه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی همسو است. نتایج نشان داد که کاهش تحقق عملی حقوق شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی منجر به افت اعتماد عمومی، کاهش مشارکت مدنی و تضعیف انسجام اجتماعی شده است.

این نتیجه با دیدگاه‌های پاتنام (۱۹۹۳، ۲۰۰۰) و فوکویاما (۱۹۹۹) که سرمایه اجتماعی را متکی بر اعتماد، هنجارهای مشترک و مشارکت می‌دانند و بر نقش حقوق و آزادی‌های مدنی در شکل‌گیری آن تأکید دارند، مطابقت دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با مطالعات داخلی همچون رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۱) و میرلوحی و همکاران (۱۴۰۳) همسو است که رابطه مستقیم میان آگاهی از حقوق شهروندی و سطح بالاتر سرمایه اجتماعی را تأیید کرده‌اند. از سوی دیگر، یافته‌های این تحقیق نشان داد که ضعف نهادهای مدنی و نبود ضمانت‌های اجرایی برای تحقق حقوق شهروندی، ظرفیت جامعه را برای مطالبه‌گری محدود کرده است؛ این یافته نیز با دیدگاه کلمن (۱۹۹۰) درباره نقش ساختارهای اجتماعی و شبکه‌های رسمی در تسهیل کنش جمعی همخوانی دارد. با این حال، برخی نتایج با بخش‌هایی از پیشینه تجربی ناهمسو است. برای مثال، برخی مطالعات داخلی در سال‌های گذشته بر رشد نسبی سرمایه اجتماعی در جوامع محلی و در حوزه‌های غیررسمی (روابط خویشاوندی و گروه‌های کوچک) تأکید داشته‌اند، در حالی که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این نوع سرمایه اجتماعی غیررسمی نیز به دلیل فشارهای اقتصادی و کاهش اعتماد کلان، روندی نزولی پیدا کرده است. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر همسو با مبانی نظری و بخش عمده‌ای از پیشینه تجربی، بر وجود رابطه‌ای دوطرفه و تقویت‌کننده میان حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی تأکید دارد و نشان می‌دهد که در ایران معاصر، ضعف در تحقق این دو مقوله، چرخه‌ای معیوب ایجاد کرده است که می‌تواند پیامدهای بلندمدت بر انسجام اجتماعی و کیفیت حکمرانی داشته باشد.

پیشنهادهای:

با توجه به یافته‌های این پژوهش و بررسی اسنادی وضعیت حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی در ایران، مجموعه‌ای از راهکارهای سیاستی و پژوهشی پیشنهاد می‌شود:

تقویت ضمانت‌های اجرایی حقوق شهروندی

تدوین سازوکارهای قانونی الزام‌آور برای اجرای اصول قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی و نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در این زمینه، می‌تواند شکاف میان اسناد قانونی و تجربه زیسته شهروندان را کاهش دهد.

افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی نهادی

ایجاد سامانه‌های شفافیت، دسترسی آزاد به اطلاعات و گزارش‌دهی عمومی نهادها و سازمان‌ها، عاملی کلیدی برای بازسازی اعتماد عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی است.

توانمندسازی نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی

تسهیل و حمایت از فعالیت احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و کاهش محدودیت‌های نظارتی و اداری، زمینه‌ساز ارتقای مشارکت مدنی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نهادی خواهد بود.

کاهش نابرابری‌ها و ارتقای عدالت اجتماعی

اصلاح سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی با هدف کاهش شکاف طبقاتی، ارتقای دسترسی برابر به آموزش، سلامت و خدمات رفاهی، نقش مستقیمی در تقویت انسجام اجتماعی و افزایش اعتماد دارد.

ترویج آموزش حقوق شهروندی و فرهنگ قانون‌مداری

گنجاندن آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های مدنی در نظام آموزشی رسمی و غیررسمی و استفاده از رسانه‌ها برای آگاهی‌بخشی عمومی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای مطالبه‌گر و آگاه خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

- بابازاده، و.، زارع، ب.، و سبکتکین، ق. (۱۳۹۷). مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی با آگاهی از مفهوم توسعه پایدار. *مجله توسعه اجتماعی*.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: نشر نی.
- پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات. (۱۳۹۹). *گزارش پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، ع.، و موسوی، م. (۱۳۹۷). بررسی منشور حقوق شهروندی و چالش‌های اجرایی آن در ایران. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*.
- خشنفر، ا.، و جندقی میرمحله، ف. (۱۳۹۸). رابطه سرمایه اجتماعی با رفتار شهروندی سازمانی کارکنان کمیته امداد استان گلستان. *مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۷(۴).
- رستگار خالد، ع.، و عظیمی، م. (۱۳۹۱). تأثیر سرمایه اجتماعی بر شهروندی دموکراتیک در میان دانشجویان دانشگاه تهران. *مجموعه مقالات کنفرانس ملی علوم اجتماعی*.
- صالحی، ص.، حسین‌زاده، ع.، و امینی، ی. (۱۴۰۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش میانجی سرمایه سیاسی و اقتصادی. *فصلنامه توسعه اجتماعی*.
- فرجی، س.، رنجبری، ف.، مرادی، ب.، و امیری، ف. (۱۴۰۰). بررسی نقش احساس برخورداری از حقوق شهروندی و ابعاد سرمایه‌های اجتماعی بر جهت‌گیری جامعه‌پسندانه دانش‌آموزان. *پژوهش‌های تربیتی دانشگاه فرهنگیان*، ۸(۲).

- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). گزارش وضعیت رفاه و نابرابری در ایران. تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸). چالش‌های تحقق حقوق شهروندی در ایران. تهران: معاونت پژوهش‌های اجتماعی.
- میرلوحی، ن.، احمدی، م.، و شریفی، ک. (۱۴۰۳). بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران: یک فراتحلیل. پژوهش‌های توسعه روستایی، ۱۵(۳).
- منصوری، ح. (۱۳۹۸). رابطه حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر تعهدات شهروندان. دومین همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار.
- منصوری، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی. مطالعات حقوقی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- وزارت کشور. (۱۳۹۸). گزارش مشارکت انتخاباتی مجلس یازدهم. تهران.
- شریعتی، م.، و احمدی، س. (۱۴۰۰). حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی: بررسی تطبیقی ایران و ترکیه. پژوهش‌های جامعه‌شناختی ایران.
- شیخ‌محمدی، ع.، و ملک‌شاهی، م. (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان. کنفرانس ملی علوم اجتماعی.

(ب): منابع لاتین

- Bourdieu, P. (1986). Forms of capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). Greenwood.
- Coleman, J. S. (1990). Foundations of social theory. Harvard University Press.
- Fukuyama, F. (1999). The great disruption: Human nature and the reconstitution of social order. Free Press.
- Marshall, T. H. (1992). Citizenship and social class. London: Pluto Press.
- Putnam, R. D. (1993). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon & Schuster.